کندوکاو

داستان‌های فراگیر از بیماری‌های همه‌گیر

نگاهی به چند داستان معروف که شیوع یک بیماری را دستمایه قرار داده‌اند

فرمند| لابه‌لای اخبار نگران‌کننده‌ای که این روزها درباره بیماری کرونا منتشر می‌شود، یک خبر ادبی هم داغ شد. محتوای خبر این بود که رمانی از دین کونتز، نویسنده آمریکایی، به نام «چشمان تاریکی» حدود ۴۰ سال پیش همه‌گیر شدن بیماری کرونا را پیش‌گویی کرده است. این رمان از ویروسی کشنده به نام «ووهان-۴۰۰» می‌گوید که به مثابه سلاحی بیولوژیک ایجاد شده است و بر زندگی آدم‌های داستان تأثیر می‌گذارد. فارغ از ماهیت درظاهر پیش‌گویانه اثر یادشده، ادبیات داستانی از آنجا که برآیندی روایی از تجربه‌های انسان‌هاست، در ماجراپردازی‌های خود به سراغ انواع مسائل و موضوعاتی می‌رود که انسان با آن سر و کار دارد یا درگیرش می‌شود، مواردی چون یک بیماری همه‌گیر. این گزارش نگاهی دارد به چند اثر داستانی معروف که چنین موضوعی را دستمایه خود قرار داده‌اند.

● «طاعون» و ضرورت هم‌بستگی

«طاعون» رمانی مشهور از آلبر کامو، نویسنده نامدار فرانسوی‌الجزایری، است که دغدغه‌های روشن‌فکرانه نویسنده را در قالب روایتی فلسفی گونه ارائه می‌کند. شهری در الجزایر با زیاد شدن تعداد موش‌ها و مردن آن‌ها و سپس مرگ شهروندان روبه‌رو می‌شود. دکتر ریو، قهرمان یا ضدقهرمان داستان که نگاهی انسان‌محور به هستی دارد، از نشانه‌های قربانیان از قبیل تاول و خیارک، عامل مرگ‌ومیر را یک بیماری مسری حدس می‌زند و در ادامه، این بیماری طاعون تشخیص داده می‌شود. مسئولان واکنشی کارآمد از خود نشان نمی‌دهند اما مدتی بعد، در شهر وضعیت قرنطینه اعلام می‌شود. واکنش شهروندان نیز گوناگون است و از گریز تا مقابله با بیماری را در بر می‌گیرد. برخی‌ها با پیوستن به گروه نجات رفتاری کنشگرانه از خود نشان می‌دهند و نگرانی‌های فردی از قبیل اندیشیدن به معشوق نیز دیده می‌شود. کشیش هم طاعون را مجازاتی الهی در برابر معصیت مردم می‌داند. ازدیاد مرگ‌ومیر نیز به خاک‌سپاری‌های دسته‌جمعی و سپس سوزاندن کالبدها می‌انجامد. سرانجام با سرد شدن هوا شیوع طاعون متوقف می‌شود درحالی‌که ممکن است بار دیگر بازگردد. آلبر کامو در این رمان با به تصویر کشیدن موقعیت‌هایی انسانی و آدم‌هایی که با مسائلی چون ماوراءالطبیعه و هیچ‌انگاری و جداافتادگی و عشق روبه‌رویند، برخلاف رمان مشهور دیگرش، «بیگانه»، از ضرورت هم‌بستگی می‌گوید.

● شبح ناگزیر مرگ در پس «نقاب مرگ سرخ»

«نقاب مرگ سرخ» داستانی کوتاه است اما چونان یک رمان، شهرتی فراگیر و جهانی دارد. ادگار آلن پو، نویسنده سده نوزدهم آمریکا و از نخستین نویسندگان داستان کوتاه که به نوشتن داستان‌های وهم‌آلود و خیال‌انگیز شناخته می‌شود، در این داستان، با ترسیم فضایی فانتزی و گوتیک و قرون وسطایی، ماجرای شایع شدن بیماری‌ای کشنده و واگیر را شرح می‌دهد. بیماری قربانی خود را دچار خون‌ریزی شدید از منافذ بدن به‌ویژه صورت می‌کند و طی نیم ساعت جان او را می‌گیرد. پراسپرو، شاهزاده جوان، فارغ‌بال از مردمش و تنها به همراه شماری از اشراف و ثروتمندان و دوستانش در کاخ خود پناه می‌گیرد تا بلا رفع شود. شاهزاده میهمانی بالماسکه باشکوهی به راه می‌اندازد و جماعت سرگرم خوش‌گذرانی می‌شوند. ناگهان بانگ ساعت آبنوسی آب در خوابگه مورچگان می‌ریزد و وحشت جماعت را فرا می‌گیرد. یک میهمان ناخوانده و ناشناس در میهمانی آن‌ها حضور پیدا می‌کند که ماسکی چون صورت مردگان به چهره دارد و هم اوست که جان شاهزاده را می‌گیرد. مهارت پو در خلق فضاهای وحشت‌آور و پرداختن به جزئیاتی که تأثیری واحد را بر خواننده مدنظر دارد، با «نقاب مرگ سرخ» تجربه‌ای به‌یادماندنی در داستان کوتاه رقم زده است.

● یک «کوری» سفید

ژوزه ساراماگو، نویسنده پرتغالی، اگرچه دیر و کمابیش در سال‌خوردگی به شهرت و محبوبیت دست یافت، توانست نام خود را به عنوان یکی از مطرح‌ترین نویسندگان معاصر رقم بزند. «کوری»، رمان پرمخاطب او، داستان چیرگی نوعی نابینایی عجیب بر آدم‌ها را روایت می‌کند که هاله‌ای سفیدرنگ را پیش چشمانشان ظاهر می‌سازد. راننده‌ای پشت ترافیک یک چهارراه ناگهان کور می‌شود و بعد دیگر آدم‌ها به این بلا گرفتار می‌شوند. چشم‌پزشک پس از معاینه آن‌ها چشمشان را سالم می‌بیند بی‌آنکه بتوانند ببینند. در واقع، آن‌ها در وضعیتی قرار گرفته‌اند که برخلاف سیاهی وابسته به کوری متعارف، یک سفیدی سرتاسری می‌بینند. این وضعیت نمادین ربطی به چشم آدم‌ها ندارد و حکایت از یک پلشتی و وحشت سفید دارد. دولت همه نابینایان را در آسایشگاهی مستقر می‌سازد. خود پزشک هم به این کوری مبتلا و به آسایشگاه فرستاده می‌شود. همسر او برای همراهی‌اش وانمود به کوری می‌کند. در آسایشگاه اتفاقات اسف‌باری می‌افتد. کوران بر سر تقسیم غذا با یکدیگر درگیر می‌شوند و رذایل انسانی مانند خشونت و فساد رخ می‌نماید. اوضاع به جایی می‌رسد که زورمندان بر بقیه چیره می‌شوند و افراد در برابر غذا باید از دارایی‌ها و حتی حریم خود بگذرند. همسر پزشک چونان قهرمانی آگاه علیه این وضعیت به پا می‌خیزد. سرانجام هنگامی که کوری همه سرزمین را فرا گرفته است، زن دست به آگاه‌سازی و روشنگری می‌زند و سرانجام بینایی مردم برمی‌گردد.



کتابخوان

رسالت افشاگرانه ادبیات

نگاهی به کتاب «هیچ دوستی به‌جز کوهستان» نوشته بهروز بوچانی

خاکپورا| «زیر نور هراس‌انگیز ماه» بخش اول کتاب «هیچ دوستی به‌جز کوهستان» بهروز بوچانی است و «هراس» چیزی است که از همان اولین صفحه و اولین کلمات به تمام کتاب نشت کرده است، درست مثل لک لیوان چپه‌شده چای روی کتاب.

«هیچ دوستی...» روایت سفر ادیسه‌وار مردی است که از سرزمین خود گریخته است. مخاطب در اندونزی با او سوار کامیون‌های زهوار دررفته می‌شود تا به ساحلی برسد و در نیمه‌های شب جانش را به ناخدا و کشتی کوچک لکنته‌اش بسپارد. بخت این مرد برای زنده ماندن به بلندی و کوتاهی موج‌ها بستگی دارد و دوام دیواره‌ها و قدرت موتور کشتی و مهارت ناخدا.

در این سفر و هراس‌هایش است که راوی چهره انسان ترسیده و در تنگنامانده را عریان نشان می‌دهد، انسانی گیرافتاده در وضعیت قرمز که بسیار متفاوت است از انسان کت‌وشلوارپوش باپرستیژ در وضعیت سفید. این در حالی است که در وضعیت زرد هم آدم‌ها به هم چنگ و دندان نشان می‌دهند، حتی اگر بر سر جای نشستن باشد: «نزاع بین انسان‌ها بر سر قلمرو همیشه بوی گند خشونت و خون‌ریزی داده است، حتی اگر این درگیری بر روی یک لنج کوچک باشد.»

قایق مصیبت‌زده راوی یکی از هزاران قایقی است که از بهشت قاچاقچیان انسان، اندونزی، راهی سرزمین موعود پناهجویان، استرالیا، می‌شود، از دل اقیانوس بی‌رحم. این قایق کوچک ۲ بار تا پای غرق شدن می‌رود که در بار دوم، کشتی گارد ساحلی استرالیا مهاجران را از آب می‌گیرد و قایق خالی‌شان را غرق می‌کند.

اما این آغاز رنج‌های مهاجران است. از این نقطه است که از آن‌ها هویت‌زدایی می‌شود و به عدد تقلیل پیدا می‌کنند. از اینجاست که هر مهاجر برای سیستم حاکم یک عدد است و نمی‌شود به عدد ترحم کرد یا او را فهمید و درک کرد.

تحمل یک ماه تحقیر زندگی در «قفس» و ترس از تبعید به جزیره مهاجران را آسوده نمی‌گذارد تا اینکه این کابوس عملی می‌شود. مشتی عدد را با تحقیر به جزیره مانوس در دل اقیانوس می‌فرستند.

بوچانی با نگاهی تیز و عمیق بخش‌های مختلف زندان و رفتارهای زندانیان را در وضعیت‌های خاص آنجا روایت می‌کند. «سیستم» زندان و رئیس‌های نامرئی آن تمام تلاششان را به کار می‌گیرند تا زندانیان را خرد کنند و به آن‌ها بقبولانند که موجوداتی پست هستند و برای این کار هیچ فرصتی را از دست نمی‌دهند. انسان پست و ذلیل‌شده هم از آنجا که عزت نفس و هویت و شخصیتی برایش نمانده است، ماده خامی است که «سیستم» می‌تواند به هر شکلی که می‌خواهد درش بیاورد.

یکی از حربه‌های بسیار کارآمد برای به ذلت رساندن آدم‌ها ایجاد کمبود مصنوعی و غیرواقعی است. نوع واکنش به گرسنگی که رفع آن در رأس هرم نیازهای انسانی است، کارآمدترین حربه بوده است. «سیستم» توزیع غذا را به گونه‌ای انجام می‌دهد که زندانیان کمترین احترامی به خودشان و دیگری نگذارند. اصل تنازع بقا حرف اول را می‌زند و وقتی کار به اینجا رسید، دیگر با انسان متمدن روبه‌رو نیستیم، بلکه موجودی استحاله‌یافته و غیرشده را می‌بینیم: «گرسنگی آن‌قدر قدرتمند است که همه‌چیز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اخلاق، وقتی که پای مرگ در میان باشد، به‌شدت کند و بی‌مصرف است. حتی یک دانه پسته قدرتی برای کشتن یک آدم داشت.»

اما غذا تنها چیزی نیست که «سیستم» از آن برای خوار کردن آدم‌ها استفاده می‌کند. دستشویی‌ها، فرصت استفاده از تلفن، توزیع ماهیانه تیغ ریش‌تراش و حتی امکان تفریح و سرگرمی چیزهایی است که به مثابه حربه و سلاحی برای کشتن شخصیت آدمی در کمپی که درواقع زندان است مورد استفاده قرار می‌گیرد. راوی در جای‌جای کتاب به این مسئله اشاره می‌کند: «سیستم حاکم بر زندان علاقه و کشش عجیبی بر تحمیل رفتارهای پست و حیوانی بر زندانی‌ها داشت. [...] سیستم حاکم بر زندان آشکارا از نبود تیغ هم برای وادار کردن زندانی‌ها به رفتارهای پست استفاده می‌کرد. [...] زندان نیازمند این بود که زندانیان تا حدودی بپذیرند که انسان‌هایی پست و خوارند و این چیزی بود که سیستم براساس آن طراحی شده بود. هیچ‌کس نمی‌بایست احساس می‌کرد که کرامت انسانی دارد.»

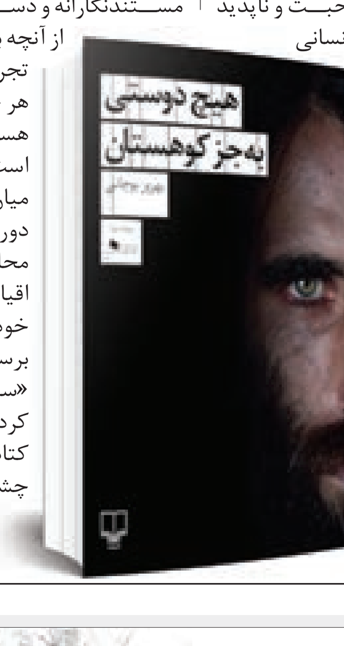
«سیستم» برای رسیدن به این هدف با دادن پاداش به آن‌ها که خود را می‌فروشند دیگران را نیز ترغیب به خودفروشی و خود پست کردن می‌کند، و پیامش روشن است: اگر می‌خواهی زندگی راحتی داشته باشی، آن‌طور حقیرانه زندگی کن که ما می‌خواهیم: «سیستم به کسانی که زودتر وارد غذاخوری می‌شدند غذاهای مرغوب‌تری می‌داد و حتی گاهی میوه، اما به کسانی که در انتها بودند چیزی جز آشغال نمی‌رسید. [...] علاوه بر میوه، همان ابتدا جعبه‌های کیک خوش‌رنگی را برای نفرات اول باز می‌کردند. این‌ها که خارج می‌شدند، کیک‌ها ناپدید می‌شدند [...] بنابراین هوشمندانه به ما می‌فهماندند که اینجا هرکه رفتار پست‌تر و حیوانی‌تری داشته باشد زندگی‌اش راحت‌تر خواهد بود.»

تنگنا و احساس کمبود و هراس، از شفقت می‌کاهد و وقتی شفقت در محیطی از بین رفت، انقراض دوستی و محبت و ناپدید شدن اخلاق و رفتارهای انسانی از پیامدهای آن است، و این بهترین راه برای اتمیزه کردن جامعه و انسان‌ها و فاصله انداختن میان آن‌هاست. در چنین محیطی، دیگر بخشی از نگرانی «سیستم» از همدلی و در نتیجه اتحاد زندانیان که می‌توانند در نتیجه این هم‌بستگی خواسته‌هایشان را مطالبه کنند، از بین می‌رود.

اما در این میان، برخی از زندانیان «سیستم» را به چالش می‌کشند. یکی مانند «غول مهربان» با مهربانی و گذشتش و یکی مانند «میثم» با ایجاد شادی. میثم پسر جوانی است که سعی می‌کند با پوشیدن لباس‌های مبدل و رقص و اجرای برنامه‌های شاد شبانه، جو حاکم بر زندان را -که نهایت اندوه را برای اسیرانش می‌خواهد- بشکند. افسران استرالیایی با نفرت به جمعیت شاد و هیجان‌زده نگاه می‌کنند: «و این چیزی بود که جمعیت حاضر کاملا آن را درک کرده بودند و گاهی اوقات حتی به شکل انگیزه‌ای مضاعف آن‌ها را متقاعد می‌کرد تا گلوی خودشان را بیشتر جر بدهند. برای زندانیانی که هیچ ابزار قدرتی نداشتند، این جشن‌های دروغین فرصت خوبی بود تا اعصاب کسانی را به هم بریزند که مطمئن بودند از آن‌ها متنفرند. [...] سیستم حاکم بر زندان اساسا برای تولید رنج ایجاد شده بود و این جشن‌ها مقاومت و واکنشی آگاهانه بود.» این نبرد عادلانه نیست، اما یکی از راه‌های مقاومت محسوب می‌شود.

«هیچ دوستی...» روایت تجربه زیسته بهروز بوچانی است، کتابی که سال گذشته گران‌ترین جایزه ادبی استرالیا را برد و توجه نویسندگان و منتقدان بسیاری را به خود جلب کرد. این اثر به نظر می‌رسد بیش از آنکه «رمان» باشد -چنان‌که در کتاب این تعبیر درباره‌اش به کار رفته است- روایت مستندنگارانه و دست‌اول نویسنده است از آنچه با گوشت و پوست تجربه کرده است. به هر حال، این اثر هرچه هست، از خانواده ادبیات است که توانسته است از میان زندانی در جزیره‌ای دورافتاده و کوچک و محاصره‌شده با آب‌های اقیانوس آرام، حرف خودش را به گوش جهان برساند و افشا کند آنچه «سیستم» سعی در پنهان کردن آن دارد.

کتاب یادشده را نشر چشمه به‌تازگی در ۲۴۷ صفحه روانه بازار کرده است.



گاه‌نما



یازدهم اسفند ۱۳۲۱ دولت وقت رسما شیوع بیماری تیفوس در تهران را اعلام کرد. این بیماری که جان شماری از هم‌میهنان ما را گرفت، گویا بر اثر اشغال ایران به دست متفقین و ناقل بودن نظامیان خارجی از سویی و قحطی ناشی از این تجاوز از سوی دیگر، در پایتخت شایع شد.

آگهی مزایده فروشگاه‌های «شهرما»

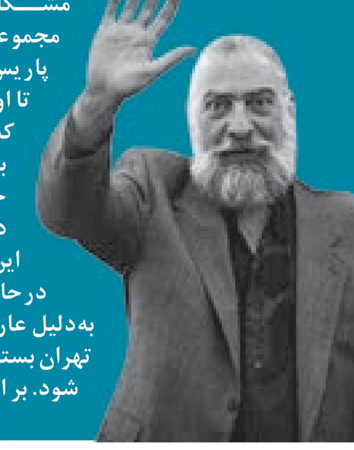
سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد بهره‌برداری از پنج فروشگاه ارزاق عمومی و میوه و تره‌بار «شهرما» را با شرایط مندرج در اسناد مزایده به اشخاص حقیقی و حقوقی واگذار نماید.
۱-بازار وحدت به مبلغ کارشناسی سالیانه ۳۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۲-بازار فردوسی به مبلغ کارشناسی سالیانه ۲۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۳-بازار هفت تیر به مبلغ کارشناسی سالیانه ۸۴۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۴-بازار ثامن به مبلغ کارشناسی سالیانه ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
۵-بازار قائم به مبلغ کارشناسی سالیانه ۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
جهت شرکت در مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به سایت مناقصات شهرداری مشهد به آدرس http://es.mashhad.ir مراجعه نمایید و همچنین جهت اطلاع در روزنامه رسمی به آدرس http://rrk.ir درج می‌گردد.

زندگی با موسیقی

ادای دین به موسیقی خراسان

«خراسانیات» به آهنگ‌سازی زنده‌یاد پرویز مشکاتیان و با صدای محمدرضا شجریان، روانه بازار موسیقی می‌شود





افخمی| سه سال پیش بود که آخرین اثر مشترک محمدرضا شجریان و پرویز مشکاتیان با نام «طریق عشق» از مجموعه قطعاتی که سال ۶۷ در پاریس اجرا شده بود، منتشر شد تا اولین آلبوم موسیقی‌ای باشد که بعد از فوت مشکاتیان، روانه بازار موسیقی می‌شود.

حال نیز قرار است آلبوم دیگری از آثار منتشرنشده این دو هنرمند پرآوازه خراسانی درحالی‌که این روزها شجریان به‌دلیل عارضه ریوی در بیمارستان جم تهران بستری است، روانه بازار موسیقی شود. بر این اساس، این آلبوم با نام «خراسانیات» با صدای محمدرضا شجریان و به آهنگ‌سازی زنده‌یاد پرویز مشکاتیان که پنج مرداد امسال مجوزهای لازم را برای انتشار کسب کرد، قرار است از یکشنبه ۱۸ اسفند توسط نشر «ایرانگام» در دسترس مخاطبان قرار گیرد.

این آلبوم را که با الهام از موسیقی مقامی منطقه خراسان و برخی قطعات آن براساس اشعاری از عماد خراسانی، دیگر هنرمند خراسانی، تولید و اجرا شده است، می‌توان ادای دینی از این دو هنرمند خراسانی به این خطه کشور دانست. به گزارش خبرگزاری مهر، نسخه مجازی این اثر یکشنبه ۱۸ اسفند و نسخه فیزیکی آن از دوشنبه ۱۹ اسفند با قیمت ۳۰ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد.



در قاب تلویزیون

مصاف تلویزیون با کرونا

شبکه‌های مختلف سیما برای ایجاد نشاط در جامعه پرکار شده‌اند



رضا زوزنی| چطور و چگونه‌اش مشخص نیست؛ مهم این است که بالاخره این ویروس منحوس سر از کشورمان درآورده و بیشتر از آنچه باید، در دل مردم نگرانی ایجاد کرده است؛ اتفاقی که منجر به خانه‌نشینی عموم مردم شده و هیچ پناهی جز جعبه جادویی و اینترنت، برایشان باقی نگذاشته است.

● پناه به اخبار تلویزیون

رسانه ملی در بخش خبر، استودیویی مجزا راه‌اندازی کرده است و خبرنگارهایش را برای تهیه گزارش به نقاط مختلف کشور می‌فرستد. آن‌ها با حضور در خیابان‌ها و میان مردم، سعی می‌کنند امیدی را که در شیوع این بیماری از جامعه گرفته شده است، بازگردانند.

اگرچه در بسیاری از حوادث، مخاطبان رسانه ملی دل خوشی از نحوه اطلاع‌رسانی آن ندارند، در فضای مسمومی که فضای مجازی در انتشار اخبار و اطلاعات در این‌باره به راه انداخته که اغلب دروغ و غرض‌ورزانه است، به نظر می‌رسد بهترین علاج، پناه بردن به امواج رسانه ملی باشد.

● عطاران؛ پای کار شادی

فعالیت تلویزیون تنها به اطلاع‌رسانی محدود نمی‌شود و در روزهایی که مدارس و دانشگاه‌ها به‌طور اضطراری تعطیل شده‌اند، وظیفه سرگرمی مردم را هم برعهده دارد.

مدیران تلویزیون سعی کرده‌اند با جدول پخشی متنوع هرطور شده است، مخاطبان خود را در منزل نگه‌دارند تا شاید هوای مسافرت به شمال، به سرشان نزند. برای این مسئله هم از هیچ اقدامی فروگذار نکرده و حتی پای رضا عطاران را نیز بعد از سال‌ها به تلویزیون کشانده‌اند. شبکه یک در اقدامی نادر، بعد از ۱۵ سال سریال «خانه‌به‌دوش»، ساخته این هنرمند مشهدی، را هرشب پخش می‌کند، این درحالی است که تلویزیون بازپخش سریال‌های خود را به شبکه‌های «آی‌فیلم» و «تماشا» سپرده است و شبکه یک را که شبکه ملی است، به پخش سریال‌های فاخر اختصاص داده است.

این تنها بخشی از ماجراست و این شبکه در حرکتی باورنکردنی، پخش «ادابازی»‌های برنامه «خندوانه» را نیز در جدول برنامه‌های خود قرار داده است. «ادابازی» بخشی از «خندوانه» بود که در آن، هنرمندان با هم مسابقه می‌دادند و از شبکه نسیم و با اجرای رامبد جوان پخش می‌شد.

● دست انداختن یک ویروس

درکنار این اتفاق، دیگر برنامه‌های تولیدی سیما هم هرکدام به شکل و شیوه خود سعی می‌کنند فشار روانی را از افکار عمومی بکاهند و روحیه مردم را برای مقابله با شیوع کرونا حفظ کنند.

سرآمد همه این‌ها، برنامه پرطرفدار «دورهمی» با اجرای مهران مدیری است که از شبکه «نسیم» پخش می‌شود. مدیری با همان طنازی منحصربه‌فردش سعی می‌کند با اتفاقات مربوط به این واقعه شوخی کند و به مردم امید بدهد. به نظر می‌رسد در این فضا که سرعت شیوع ویروس در روح ما سریع‌تر از سرعت شیوع آن در جسم‌مان است، بهترین راه، دست انداختن آن به روش مدیری است.

شبکه‌های متعدد دیگر تلویزیون انگار در این روزها جذاب‌تر از همیشه شده‌اند و هر شبکه با پخش فیلم‌های سینمایی متنوع از «لیلی با من است» گرفته تا «شرلوک هلمز» می‌خواهد مخاطب نگران را به خود جذب و برای ساعتی، او را از نگرانی حاکم بر جامعه رها کند.

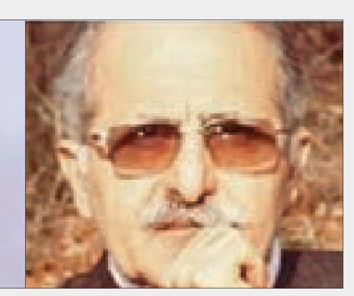
● تلویزیون برای کودکان

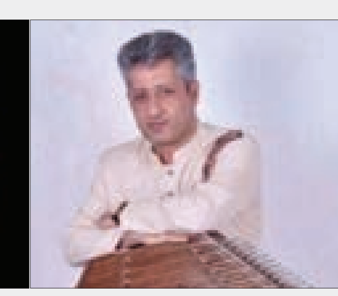
بخش دیگری از مخاطبان جدی تلویزیون، کودکان هستند که در این روزها بیشتر از هر عضو دیگر خانواده حوصله‌شان سرمی‌رود, خانه‌نشینی و تعطیلات مدارس، کلافه‌شان کرده است. شبکه «پویا» که اساسا برای این قشر از جامعه راه‌اندازی شده است، در این روزها پشت‌سر هم فیلم‌های سینمایی پویانمایی مطرح جهان را پخش می‌کند و بعضی از آن‌ها را در طول روز دوبار روی آنتن می‌برد. پخش تصاویر آموزشی برای مقابله با این بیماری ویروسی، از دیگر اقدامات صداوسیما برای سرگرم کردن کودکان و نوجوانان است.

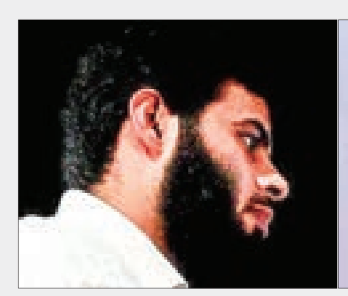
یادبود

کرونا از جمع هنرمندان نیز قربانی گرفت

مرگ ۳ نفر از اهالی هنر به‌دلیل ابتلا به کرونا







گروه هنر| محمد شمس‌لنگرودی، شاعر نام‌آشنای کشورمان، در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام از مرگ دو موسیقی‌دان اهل گیلان به‌دلیل ابتلا به بیماری کرونا خبر داد.

محمد و مجید جمشیدی، دو برادر آهنگ‌ساز و نوازنده سنتور، ساکن لاهیجان بودند که روزهای گذشته به فاصله کمتر از یک هفته به‌دلیل ابتلا به کرونا جان باختند.

برخی رسانه‌ها نوشته‌اند دلیل مرگ محمد جمشیدی، سرپرست گروه موسیقی لنگرودی سماع، در گواهی فوت او آنفلوانزا بیان شده است، اما صفرعلی رمضانی، از شاگردان و نزدیکان محمد جمشیدی، در این‌باره به ایلنا گفته است: «ابتدا زنده‌یاد محمد جمشیدی دار فانی را وداع گفت و چند روز پس از او، برادرش مجید از دنیا رفت و علت مرگ هردو کرونا بوده است.»

به گفته او، محمد جمشیدی دچار بیماری قلبی و ریوی نبوده و هیچ عارضه جسمی و زمینه‌ای نیز نداشته و این اتفاق در مدت زمانی کوتاه رخ داده است: «علائم بیماری در هر دو مرحوم دیده شده و با اینکه مرگ بر اثر کرونا هنوز اعلام رسمی نشده، شک نکنید که این اتفاق‌ها بر اثر بروز بیماری کرونا بوده است. همچنین اکنون همسر زنده‌یاد محمد جمشیدی به‌دلیل ابتلا به کرونا در بیمارستان بستری است.»

دیگر فعال عرصه هنر که به‌دلیل ابتلا به بیماری کرونا جان خود را از دست داد، حامد جلالی کاشانی، مستندساز، است. او روز گذشته در سی‌ویک‌سالگی جان خود را از دست داد. خواهر این مستندساز نیز درگذشتِ او را به‌دلیل بیماری کرونا تایید کرده است.

حامد جلالی، مستندساز، پژوهشگر و معاون اسبق موسیقی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، بود و همچنین در مستند «ایکسونامی» به‌عنوان پژوهشگر حضور داشت.

براین اساس و تا لحظه نگارش این مطلب، مرگ سه نفر از اهالی هنر به‌دلیل ابتلا به کرونا، رسما اعلام و تایید شده است.

در قاب تلویزیون

کمدی‌ها در قاب تلویزیون

نگاهی به سریال‌های نوروزی صداوسیما



نگار راد| شبکه‌های مختلف صداوسیما هرساله سریال‌های متفاوتی را برای پخش در عید نوروز و همراه کردن مخاطبان با خود تدارک می‌بینند. امسال نیز رقابت میان شبکه‌های تلویزیون برای ساخت سریال‌های نوروزی از ماه‌ها قبل آغاز شده است.

درصورت تغییر نکردن کنداکتور صداوسیما و براساس خبرهایی که تا این لحظه منتشر شده است، سه سریال «پایتخت۶»، «کامیون» و «دوپینگ» گزینه‌های اصلی پخش در شبکه‌های یک، ۲ و ۳ سیما هستند؛ گزینه‌هایی که هرکدام ویژگی‌های خاص خود را برای همراه کردن مخاطب دارند. در نوشتار پیش‌رو این سه سریال نوروزی را معرفی خواهیم کرد.

● بازگشت «پایتخت»؛ سریال پرطرفدار این سال‌ها

سریال «پایتخت» به‌کارگردانی سیروس مقدم که مخاطبان پروپاقرصی دارد، نوروز امسال با سری ششم خود به قاب تلویزیون برمی‌گردد.

این مجموعه تلویزیونی که پخش اولین فصلش به سال ۱۳۹۰ برمی‌گردد، با فوت خشایار الوند، یکی از نویسندگان اصلی‌اش، در سال گذشته با مشکلاتی روبه‌رو شد، به‌طوری‌که پخش سری ششم آن در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت اما درنهایت سازندگان سریال تصمیم گرفتند فصل جدید آن را جلوی دوربین ببرند. «پایتخت» با ویژگی‌های خاص و متفاوتش و روایت ماجراهای جدید در هر فصل، توانسته است مخاطبان را در طول این سال‌ها درکنار خود نگه دارد. گمان می‌رود این روایت‌های جدید در پایتخت ۶ نیز باتوجه‌به بازگشت مهران احمدی به سریال در نقش بهبود، حضور بهنام بانی، خواننده شناخته‌شده کشور در یکی از قسمت‌ها و همچنین حذف کاراکتر باباپنجعلی ادامه یابد. محسن تنابنده، ریما رامین‌فر، احمد مهران‌فر، هومن حاجی‌عبداللهی، بهرام افشاری، نسرین نصرتی، سارا و نیکا فرقانی، عطیه جاوید و سلمان خطی از بازیگران اصلی فصل ششم پایتخت هستند.

● کارگردان «تگزاس» با «کامیون» می‌آید

شبکه ۲ سریالی را با عنوان «کامیون» به کارگردانی سیدمسعود اطیابی برای پخش در عید نوروز درنظر دارد. اطیابی که سابقه کارگردانی فیلم‌های سینمایی چون «تگزاس یک و دو»، «خروس‌جنگی»، «دینامیت» و «انفرادی» را در کارنامه دارد، این‌بار به‌سراغ ساخت یک مجموعه تلویزیونی رفته است؛ مجموعه‌ای که انتظار می‌رود همچون فیلم‌های این کارگردان، فضای طنز داشته باشد. اطیابی از حضور بازیگران مطرحی چون مهدی هاشمی، نسرین مقانلو، جهانبخش سلطانی، نادر سلیمانی، بیتا سحرخیز، شهاب عباسی، سپند امیرسلیمانی، گیتی قاسمی، زهره فکورصبور، مهسا طهماسبی و علی هاشمی برای سریال «کامیون» بهره گرفته است؛ بازیگرانی که می‌توانند مخاطبان بسیاری را با خود همراه کنند. این سریال که در تهران و بندرانزلی فیلم‌برداری شده است، داستانش درباره یکی از پیشکسوتان فوتبال است که مدتی روی یک کامیون باربری کار می‌کند و پس از آشنایی با سه دانشجو که صاحبخانه به‌دلیل مشکلاتی اثاثیه‌شان را به خیابان ریخته است، درگیر ماجراهایی می‌شود.

● «دوپینگ» در شبکه۳

شبکه ۳ نیز چند سریال را این روزها در دست ساخت دارد اما اصلی‌ترین گزینه این شبکه، مجموعه تلویزیونی «دوپینگ» به کارگردانی رضا مقصودی است. مقصودی که فیلم سینمایی «خجالت نکش» را در سال‌های اخیر کارگردانی کرده و نویسندگی سریال‌هایی چون «ساختمان ۸۵» و «گمشدگان» را برعهده داشته، این‌بار به‌سراغ ساخت سریالی طنز برای صداوسیما رفته است. هرچند خبرهای موثقی درباره داستان این سریال منتشر نشده است، برخی رسانه‌ها از داستان متفاوت آن یاد کرده‌اند که حتی می‌تواند رقیبی برای «پایتخت۶» باشد. گفته می‌شود «دوپینگ» مضمونی کمدی‌فانتزی دارد و فیلم‌نامه آن را نیز خود رضا مقصودی نوشته است. جلوه‌های ویژه فراوان دیگر ویژگی «دوپینگ» است. براساس اخبار منتشرشده، شبنم مقدمی، محمد بحرانی و نیما شعبان‌نژاد در سریال مقصودی به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سه بازیگر در سال جاری با سریال «هیولا» به‌کارگردانی مهران مدیری در شبکه نمایش خانگی حضور داشتند.

زندگی با موسیقی

ستارگان توخالی

دانش موسیقایی؛ حلقه گمشده خوانندگان نسل جوان



شکیبا افخمی‌راد| در سال‌های اخیر، موسیقی ایران با رشد بی‌سابقه خواننده‌های پاپ روبه‌رو شده است. بسیاری از این خوانندگان با سبک و سیاقی شبیه به‌هم و با حمایت تهیه‌کنندگانی که پول برایشان اولویت اول است، بدون دانش آن‌چنانی از موسیقی، روی صحنه می‌روند و کنسرت برگزار می‌کنند. بارها در ماه‌های اخیر فیلم‌هایی از کنسرت‌های این خوانندگان عامه‌پسند منتشر شده است که نشان می‌دهد آن‌ها برخی آهنگ‌ها را زنده اجرا نمی‌کنند و آهنگ‌ها به‌صورت پلی‌بک در سالن‌ها پخش می‌شود یا چندباری ویدئوهایی از فالش خواندن این خوانندگان در اجراهایشان پخش شده است که نشان می‌دهد به لطف دستگاه و استودیوها این افراد می‌توانند تک‌آهنگ‌هایشان را روانه بازار موسیقی کنند. از دیگر اتفاقات عجیبی که در کنسرت یکی از این خوانندگان در هفته‌های اخیر رخ داده بود، می‌توان به دادوفریادهای گوش‌خراش و آزاردهنده آن خواننده برای همراه کردن تماشاگران اشاره کرد؛ البته رشد بی‌سابقه این خوانندگان، تنها به فعالیت تهیه‌کنندگان برنمی‌گردد، بلکه تلویزیون نیز در سال‌های اخیر برای جذب مخاطب بیشتر با دعوت از این افراد، بر معروف شدن آن‌ها در جامعه تاثیر بسزایی گذاشته است. به این ترتیب در جایی که هنرمندان مطرح نمی‌توانند به تلویزیون بیایند و این رسانه از پخش آهنگ‌های فاخر سر باز می‌زند، مردم تنها با خوانندگانی آشنا می‌شوند که در حوزه موسیقی درجه‌چندم هستند. یکی از برنامه‌هایی که معمولا میزبانی از این خوانندگان را برعهده دارد، «دورهمی» با اجرای مهران مدیری است؛ البته مدیری علاوه‌بر آنکه فرصتی دراختیار این افراد قرار می‌دهد، به‌خوبی آن‌ها را به چالش می‌کشد؛ چالشی که خوانندگان را مجبور می‌کند خودشان به‌نوعی به نداشتن دانش موسیقایی اعتراف کنند. در برنامه اخیر «دورهمی»، سوال‌های زیرکانه مدیری گریبان‌گیر آرون افشار شد؛ خواننده‌ای که به‌تازگی معروف شده است و بلیت کنسرت‌هایش در عرض چندساعت فروش می‌رود. او تنها دو سوال ساده از این خواننده پرسید. مدیری نظر افشار را درباره لوچانو پاواروتی، یکی از خوانندگان برتر اپرای جهان، که برای او در تهران نیز مراسم بزرگداشتی برگزار شد و همچنین آندریا آنجل بوچلی، از برترین خوانندگان معاصر دنیا، جویا شد که افشار این افراد را نمی‌شناخت.

پیش‌تر نیز مدیری خوانندگانی چون ماکان‌بند و حمید هیراد را با چالش‌هایی این‌چنینی روبه‌رو کرده بود؛ چالش‌هایی که نشان‌دهنده دانش نه‌چندان زیاد این هنرمندان در حوزه موسیقی است. به قول خود مهران مدیری، زمانی که کتاب نمی‌خوانیم، موسیقی خوب گوش نمی‌کنیم، درباره سیاست کتاب نمی‌خوانیم، آگاهی از کجا می‌آید؟ شاید همین نبود آگاهی را که مدیری از آن می‌گوید، بتوان دلیل اصلی وضعیت این روزهای موسیقی دانست؛ موسیقی‌ای که باتوجه‌به وضعیت موجود، حالاحالاها حالش خوب نمی‌شود.

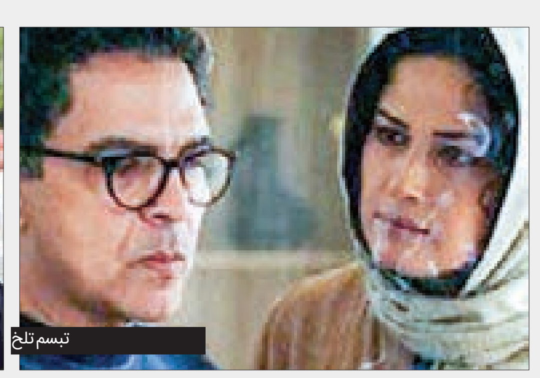
زندگی با سینما

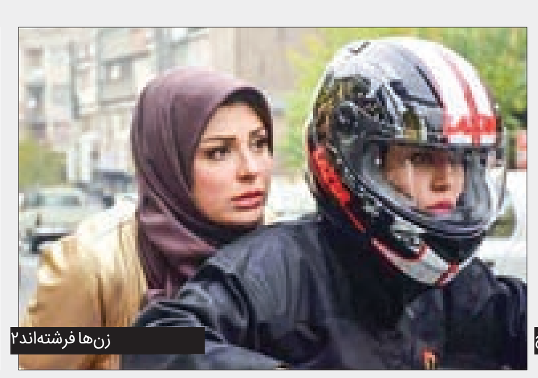
۳ اثر سینمایی در صف اکران

شورای پروانه نمایش، مجوز ۳ فیلم سینمایی را صادر کرد

گروه هنر| پس از مشخص شدن فهرست فیلم‌های سینمایی که قرار است در نوروز به روی پرده سینماها بروند، روز گذشته شورای پروانه نمایش مجوز سه فیلم سینمایی دیگر را نیز صادر کرد تا در نوبت اکران در سال ۹۹ قرار بگیرند.

«زن‌ها فرشته‌اند ۲» به کارگردانی آرش معیریان، «تبسم تلخ» به‌کارگردانی سیدمحمدرضا ممتاز و «چند می‌گیری گریه کنی ۲» به‌کارگردانی علی توکل‌نیا، سه فیلم سینمایی هستند که برای نمایش در سینماهای کشور مجوز گرفته‌اند. «تبسم تلخ» یک فیلم اجتماعی با رگه‌های طنز است. این فیلم درباره دفتردار یکی از شهرهای ایران است که درپی اتفاقی عازم یکی از کشورهای همسایه می‌شود اما با اتفاقی که برایش در آن کشور می‌افتد، دچار یک سرگردانی برای بازگشت می‌شود. لادن مستوفی و مهدی احمدی، دو بازیگر اصلی «تبسم تلخ» هستند. در «زن‌ها فرشته‌اند ۲» نیز که نسخه نخست آن سال ۱۳۸۶ در سینماهای کشور اکران شد، نیوشا ضیغمی، سحر قریشی و محمدرضا شریفی‌نیا نقش بازی می‌کنند. «چند می‌گیری گریه کنی ۲»، دیگر فیلم سینمایی است که نسخه نخست آن به کارگردانی شاهد احمدلو در سال ۱۳۸۴ تولید شد. ابوالفضل پورعرب، حمید لولایی و اسدا... یکتا، جزو بازیگران این فیلم سینمایی هستند.


تبسم تلخ


زن‌ها فرشته‌اند۲


چند می‌گیری گریه کنی۲